

## حرمت استمناء

بحث به مناسبت بحث اهدای جنین و تلقیح صناعی به مساله استمناء منتهی شد. گفتیم تسبیب به خروج منی صورت مختلفی دارد فعلا بحث در تسبیب به خروج منی از طریق تحریکات جنسی به واسطه غیر همسر است.

در اصل حرمت استمناء فی الجملة شکی وجود ندارد. قید فی الجملة از این جهت است که در بعضی کلمات قیودی ذکر شده است که ممکن است استفاده اطلاق از آنها مشکل باشد و لذا در غلط بودن انکار حرمت استمناء از اصل شکی نیست و حرمت استمناء نه تنها ضروری فقه است بلکه بعید نیست ضرورت مذهب نیز باشد و اگر از ضروریات مذهب شیعه باشد انکار آن نه تنها موجب خروج از مذهب است بلکه موجب کفر است چون ملاک آنچه موجب کفر است انکار حکمی است که به وجود آن در شریعت یقین دارد و لذا اگر کسی حکمی را که یقین دارد از احکام شریعت است (حتی اگر ضروری هم نباشد) انکار کند، کافر خواهد بود چرا که به انکار رسالت منتهی خواهد شد. به عبارت دیگر انکار ضروری خصوصیت ندارد بلکه معیار انکار رسالت است و انکار ضروری اماره بر قطع شخص است و حرمت استمناء از نظر فقه شیعه مثل حلیت متعه است.

با این حال اجماع یا ضروری بودن در فقه از ادله لبی است و لذا ما برای اثبات حرمت آن به ادله لفظی تمسک می‌کنیم.

آیات و روایات متعددی بر حرمت استمناء دلالت دارند. در جلسه قبل به آیه شریفه سوره مومنون و معارج اشاره کردیم اما علاوه بر آن، همان آیه‌ای که در بحث حرمت تلقیح به آن اشاره کردیم بر حرمت استمناء نیز دلالت دارد.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ (النور ۳۰)

مرحوم آقای خوبی برای اثبات حرمت به صدر آیه و امر به غض بصر استدلال کرده‌اند به این بیان که منظور از غض بصر، بستن چشم از نظر نیست بلکه چشم پوشی است و لذا در آیه نگفته یغضوا ابصارهم بلکه گفته یغضوا من ابصارهم یعنی مومنین باید از مسائل جنسی چشم پوشی کنند و فقط نسبت به همسر یا ملک یمین اجازه داده شده است. (موسوعة الامام الخوئی، جلد ۳۲، صفحه ۲۵ و ۷۱)

اما آنچه محل استدلال ما است ذیل آیه و امر به حفظ فرج است. قبلا هم گفتیم که منظور حفظ فرج از امور مناسب با فرج است و همان طور که مجامعت از امور مناسب با فرج است، استمناء نیز از امور مناسب با فرج است. آیه شریفه امر بر محافظت از همه امور مناسب با فرج دلالت دارد و به زنا و ...

اختصاص ندارد. دلالت این آیه بر ممنوعیت استمناء هر چند فی الجملة از دلالت این آیه بر حرمت قرار دادن نطفه در رحم زن قوی‌تر است.

در برخی از روایات برای حرمت استمناء به آیات سوره مومنون یا معارج استدلال شده است که صدر آن آیات نیز مساله حفظ فرج مذکور است و نشان می‌دهد که امام علیه السلام نیز از این عنوان اطلاق فهمیده‌اند و استمناء را جزو «ما وراء ذلک» حساب کرده‌اند.

آیه نه تنها بر حرمت استمناء با اعضای بدن یا آلات مصنوعی دلالت دارد بلکه حتی بر حرمت استمناء با فکر و تصور و خیال هم دلالت دارد چون خود استمناء از امور مناسب با فرج است. استدعاء خروج منی و تسبیب به خروج منی با تحریکات جنسی از واضح‌ترین امور مناسب با فرج است بر همین اساس استمناء با فکر و خیال پردازی یا دیدن یا خواندن مسائل و امور جنسی و ... که به خروج منی منتهی بشود نیز مشمول آیه شریفه است و حرام است و حرمت به تسبیب به خروج منی با فعل یا آلت و ... اختصاص ندارد.